



فهرست مطالب

۲	..... ادله وجوب مقدمه
۲	..... دلیل سوم
۲	..... اراده تکوینی
۳	..... اراده تشریعی
۳	..... نکته
۳	..... اشکال حضرت امام (ره)
۴	..... جواب



بسم الله الرحمن الرحيم

## ادله وجوب مقدمه

بحث بر سر ادله وجوب مقدمه بود که دو دلیل را بررسی کردیم و بعید ندانستیم که دلیل دوم تام است.

## دلیل سوم

این دلیل مبتنی بر این است که مقایسه می‌کند اراده تکوینی را با اراده تشریعی

## اراده تکوینی

اگر دقت کنیم خواهیم دید که در موردی که خود شخص عامل است و اراده یک چیزی می‌کند و اقدام می‌کند اراده و شوق نسبت به یک امر موجب اراده و شوق نسبت به مقدمات آن می‌شود کسی که اراده و شوق پیدا کرد نسبت به رفتن به مکه یا زیارت از این شوق و اراده او شوق و اراده به مقدمات که سفر باشد هم تولید می‌شود و این بسیار واضح است و باعث عمل به فعل مقدمه می‌شود. این مطلب در فلسفه هم بحث شده که هر فعل اختیاری دارای این چهار مرحله است یعنی اول تصور فعل، دوم تصدیق به سود و فایده این کار، سوم شوق و انگیزه درونی و چهارم اراده این چهار مرحله سازوکار روان‌شناختی افعال اختیاری هست که مرحله اول و دوم آن یک مرحله علمی است که تصور و تصدیق است و مرحله سوم مرحله انگیزشی و غیرعلمی است که در روان انسان پیدا می‌شود یعنی با این تصور و تصدیق یک‌شور و شوقی در انسان پدید می‌آید که البته این شور و شوق باید تام باشد و به دنبال این فعلی از انسان صادر می‌شود که اراده است. همه این چهار مرحله از کیفیات نفسانیّه است که تعبیر فلسفی آن است. مکانیزم صدور یک فعل اختیاری در انسان که از نقطه تصور شروع می‌شود و به اراده و عزم منتهی می‌شود، فرایند روان‌شناختی فعل اختیاری است که در فلسفه هم مورد بحث قرار گرفته و روانشناسی هم این را تأیید می‌کند و همه از کیفیات نفسانیّه هستند. این فرایند هم در مقدمه باید صورت بگیرد و هم در ذی‌المقدمه اما فرق آن این است که در آنجا تصور می‌کند زیارت را و تصدیق به فایده معنوی آن می‌کند و ذاتاً به آن شوق پیدا می‌کند و بعد صدور آن را اراده می‌کند اما وقتی می‌خواهد عمل کند می‌بیند مقدماتی دارد مثل؛ بلیت گرفتن و هواپیما سوار شدن و... این مقدمات را هم که نگاه می‌کند تصورشان می‌کند بعد تصدیق به فایده آن پیدا می‌کند اما فایده در اینجا غیری هست ولی در ذی‌المقدمه نفسی بود و این فایده به واسطه فایده ذی‌المقدمه پیدا شد، بعد شوق پیدا می‌کند که این هم غیری است و بعد اراده که این هم متأثر از آن



اراده در ذی‌المقدمه است پس در این چهار مرحله فقط در تصور باهم فرقی نداشتند اما در سه مرحله دیگر باهم فرق دارند آن فرق این است که در ذی‌المقدمه نفسی است و در مقدمه غیری و ناشی از ذی‌المقدمه است. لذا در اراده تکوینی یعنی اراده‌ای که خود شخص می‌خواهد عامل باشد و می‌خواهد با اراده خودش عملی را محقق کند یک شوق و اراده نفسی داریم که متوجه ذی‌المقدمه است و یک شوق و اراده غیری داریم که متوجه مقدمه است.

## اراده تشریعی

اراده تشریعی یعنی اراده‌ای که حاکم، آمر، مولی یا قانون‌گذار نسبت به فعل دیگران دارد یعنی مولی یا حاکم می‌خواهد دیگران، این را انجام بدهند یا ندهند اینجا اراده تعلق به فعل غیر قرار گرفته.

### نکته

در اراده تشریعی که شارع، قانون‌گذار و مولی صاحب اراده تشریعی است دو مطلب را باید از هم تفکیک کنیم یکی آن کارهایی است که از خود مولی صادر می‌شود که فعل تکوینی اوست مثلاً حکم می‌کند یا امر می‌کند و این فعل خود اوست اما آنچه دیگران باید انجام بدهند این فعل او نیست این تفاوت اراده تکوینی و تشریعی است یعنی در اراده تکوینی اراده روی فعل خود شخص آمده اما در اراده تشریعی علاوه بر اینکه اراده روی فعل خود شخص آمده غیرمستقیم این اراده تعلق گرفته که دیگری این فعل را انجام بدهد.

آنچه در کلمات اعلام مثلاً در کلام صاحب کفایه و به شکلی مرحوم نائینی و همین‌طور مرحوم محقق عراقی آمده این است که اراده تشریعی به منزله اراده تکوینی است یعنی همان قانونی عقلی که باعث تولد شوق و اراده غیری از شوق و اراده نفسی در ذی‌المقدمه می‌شد همان در اراده تشریعی هم هست مثلاً همان‌طور که وقتی می‌خواهیم برویم زیارت اما رضا (ع) از اراده این زیارت اراده سفر متولد می‌شود به صورت غیری، فرقی نمی‌کند از کس دیگری بخواهیم که به زیارت امام رضا (ع) برود و باز هم این اراده نفسی و غیری متولد می‌شود این مطلبی است که در کلام بزرگان آمده است.

این فرمایش از سوی چند تن از بزرگان مورد اشکال قرار گرفته مثل؛ حضرت امام در تهذیب الاصول و مرحوم آقای خوئی به بیان دیگری و همین‌طور آقای وحید به شکلی دیگر که بیان می‌کنیم.

### اشکال حضرت امام (ره)

ایشان می‌فرمایند مقایسه اراده تشریعی با اراده تکوینی را قبول نداریم و این مقایسه تامی نیست و می‌فرمایند در اراده تکوینی همین‌طور است به این صورت که شخص فاعل و عامل که ذی‌المقدمه را اراده می‌کند اراده‌ای هم به مقدمات آن



تعلق می‌گیرد، اما در اراده تشریعی خود او که نمی‌خواهد این کار را انجام بدهد بلکه از دیگری می‌خواهد که این را انجام بدهد و حکم صادر می‌کند که شما انجام بدهد لذا در اینجا ایشان می‌فرمایند؛ هیچ استدلالی همراه آن نیست آنچه مولی می‌خواهد ذی‌المقدمه است و راجع به مقدمه می‌فرماید ببین عقلت چه می‌گوید و دلیلی ندارد که در مقدمه هم شوق و اراده‌ای از مولی صادر شود. در افعال اختیاری این چهار مرحله هست و درست است و در مقدمه هم داخل می‌شود اما در فعل تشریعی آنچه مورد اراده مولی است و حکم به آن تعلق گرفته ذی‌المقدمه است و هیچ دلیل عقلی نمی‌گوید که این حکم در مقدمه هم دخیل است این همان است که گاهی گفته می‌شود خلط یک بحث عقلی و فلسفی است با یک بحث اعتباری یعنی در اراده تکوینی چون اراده خود شخص است عقل حکم می‌کند که این قانون جاری باشد اما در اراده تشریعی حکم نسبت به عمل دیگری است لذا داخل در این قانون عقل نیست.

### جواب

این فرمایش امام را به یک معنی قبول داریم و به یک معنی قبول نداریم اینکه امام بفرمایند؛ این دو را مقایسه نکنید این را قبول داریم و اینکه بفرمایند؛ آن استدلالی که در اراده تکوینی جاری است آن استدلال در اراده تشریعی جاری نیست، آن را هم قبول داریم یعنی نباید باب اراده تکوینی را با تشریعی یکی بدانیم در اراده تکوینی آن‌که اراده می‌کند خودش هم عامل است و وقتی می‌خواهد اقدام کند باید در آن مقدمات هم تصدیق به فایده و شوق و اراده و عزم داشته باشد و معلوم می‌شود که این‌ها هم ناشی از ذی‌المقدمه است اما این استدلال در فعل کس دیگر جاری نیست و این را ما قبول داریم که نباید مقایسه کرد و آن نکته فلسفی که در فاعل مرید تکوینی جاری است در اراده تشریعی جاری نیست؛ اما در نتیجه گیری می‌گوییم که ما مقایسه نمی‌کنیم ما استقلالاً می‌گوییم آنجایی که کسی اراده تشریعی دارد آن تولد شوق و اراده بایان دیگری اینجا هم وجود دارد نه به خاطر آن اراده تکوینی، به بیان دیگر می‌گوییم وقتی مولای قانون‌گذار توجه به این بکند که آنچه را که از عبد می‌خواهد بدون سفر و ویزا و بلیت و غیر... میسر نمی‌شود لامحاله از آن شوقی که به کار آن شخص دارد و اراده تشریعی که نسبت به آن دارد، شوق انجام مقدمات آن‌هم متولد می‌شود به آن بیان فلسفی که بیان شد نیست اما در همان فعل غیر، بیان مستقلاً دارد و این فقط یک تشبیه است نه اینکه ما بخواهیم استدلال آنجا را اینجا هم بیاوریم یعنی می‌گوییم همان‌طور که در اراده تکوینی این متولد می‌شود در اراده تشریعی هم از آن اراده این متولد می‌شود ولی نه به آن نکته و سری که در آنجا است بلکه با نکته خاص خودش است. در اراده تشریعی وقتی از عبد کاری را می‌خواهد حتماً یک خواهشی در درون او نسبت به مقدمات آن‌هم هست و از آن بالاتر اینکه عقل هم اگر می‌گوید این را انجام بده برای این است که به نحوی در مسیر خواهش مولاست و عقل و ارتکاز عقلایی این را می‌فهمد یعنی خواهش مولا نسبت به ذی‌المقدمه یعنی خواهش نسبت به مقدمه هم وجود دارد،



البته این علاقه یک علاقه غیری است و بعید نیست بزرگانی هم که گفته‌اند همان قاعده در اراده تکوینی را در اینجا می‌آوریم منظورشان تشبیه بوده نه مقایسه.